

## وظیفه مدیران در نظام توحیدی چیست

در نظام ارزشی اسلام، چون هدف اساسی، دستیابی به قرب و رضای خداوند است، نه تأمین هدف های گذرا و پوچ دنیایی، انگیزه های مدیران نیز چیز دیگری است.



الگوی رهبری امام خمینی (ره):

وظیفه مدیران در نظام توحیدی چیست

خبرگزاری مهر-در نظام ارزشی اسلام، چون هدف اساسی، دستیابی به قرب و رضای خداوند است، نه تأمین هدف های گذرا و پوچ دنیایی، انگیزه های مدیران نیز چیز دیگری است. مدیران در نظام توحیدی به دنبال ادای وظیفه و ایفای مسئولیت اند. در این قسمت، مفهوم رهبری در آیین توحیدی اسلام مطالعه و بررسی می شود. بدیهی است که در این بررسی، بازبینی و بازشناسی مفهوم مدیریت در فرهنگ اسلامی، به تبیین بهتر مفهوم رهبری کمک می کند. از این رو، در اینجا دو واژه با هم بررسی می شوند.

باید یادآور شویم که مدیریت و رهبری در نظام توحیدی با آنچه در غرب رایج شده تفاوت اساسی دارد. در جوامع غیر دینی، مدیران از دانش و فن مدیریت به عنوان ابزاری کار آمد در راستای دستیابی به خواسته های مادی و نفسانی، مانند پول، قدرت، شهرت و حتی هویت استفاده می کنند، اما در نظام ارزشی اسلام، چون هدف اساسی، دستیابی به قرب و رضای خداوند است، نه تأمین هدف های گذرا و پوچ دنیایی، انگیزه های مدیران نیز چیز دیگری است. مدیران در نظام توحیدی به دنبال ادای وظیفه و ایفای مسئولیت اند؛ نا گفته نماند که مدیران مسلمان برای رسیدن به اهداف مادی نیز تلاش می کنند، با این حال، جهت گیری آنان همواره به سوی قرب و رضایت حق تعالی است. به سخن دیگر، سود دهی سازمانی و رفاه اعضا در سایه رعایت موازین و احکام الهی تعریف می شود.

در اسلام، رهبری یک امر معنوی و تعهد است و مدیریت جنبه تکنیکی دارد. رهبری نیازهای معنوی و انسانی یک سازمان را تأمین می کند و مدیریت ابزارهای مادی و تکنیکی افزایش تولید و رفع نیازهای مصرفی افراد را تدارک می بیند.

برای واژه های &#171;رهبری و مدیریت&#171; در فرهنگ اسلامی می توان از دو واژه &#171;راهنمایی&#171; و &#171;رشد&#171; استفاده نمود. از این رو، می توان رهبری را به هدایت و مدیریت را به رشد معنا کرد. مقصود از رشد، بلوغ روحی، شایستگی و قدرت تشخیص، درک سود و زیان و لیاقت اداره و بهره برداری صحیح از وسایل و سرمایه های حیات است. با این توصیف &#171;مدیریت فن بهتر بسیج کردن و بهتر سامان دادن و بهتر سازمان دادن و بهتر کنترل کردن نیروهای انسانی و به کاربردن آنهاست&#171;.

نکته قابل توجه این است که در مضامین اسلامی رشد و مدیریت به مفهوم &#171;امامت&#171; و رهبری به مفهوم &#171;نبوت&#171; نزدیک است. چه اینکه، در تفاوت نبوی و امامت گفته می شود که &#171;اولی راهنمایی است ابلاغ است اخبار و آگاه کردن است، ارائه دادن راه است، دومی سرپرستی است. جلو افتادن و به دنبال خود کشاندن است، تحریک نیروها و بسیج نیروها و سامان دادن و سازمان بخشیدن نیروهاست. پیامبران برخی، راهنمای راهبر بودند؛ مانند ابراهیم(ع)، موسی(ع)، عیسی(ع) و خاتم الانبیا(ص) و برخی فقط راهنما بودند؛ ولی ائمه رهبرند و راهنمایی شان همان راهنمایی خاتم الانبیاست.

از مطالب یادشده استفاده می شود که مدیریت و رهبری در شخص رسول خدا(ص) و ائمه هدی(ع) تبلور داشته است، چه اینکه آنان راهنمای راهبر بوده اند و چنان که مدارک و اسناد تاریخی نشان می دهند، رسول خدا(ص) علاوه بر راهنمایی، به مدیریت جامعه توجه ویژه داشته اند و با تشکیل حکومت در راه تحقق ارمان های الهی فعالیت بسیاری کرده اند. سبک مدیریت رسول خدا(ص) غالباً فرهنگی و ایدئولوژیک بوده و ائمه هدی(ع) نیز بنا به اقتضائات زمانی و مکانی در این عرصه ها ایفای نقش کرده اند.

رسول اکرم(ص) با مدیریت و رهبری بر جامعه اسلامی، بنیان ساختارهای فرهنگی و اعتقادی عصر خویش را در هم ریخت و اندیشه نوین در انداخت که بر پایه تفکر توحیدی بناشده بود. این اندیشه پاک که از فطرت الهی الهام گرفته، در مسیر حرکت پویانده خود در عصر امام حسین(ع) به چالش کشیده شد که با مدیریت و رهبری آن حضرت به مسیر اصلی خود برگشت.

امام حسین(ع) رهبری یک قیام انقلابی در متن اسلام را بر عهده گرفت و برای تصحیح مسیر جامعه دینی قیام کرد. آن حضرت یک شورش و انقلاب مقدس را علیه ظلم، تظاهر و ریاکاری رهبری نمود. مدیریت امام حسین(ع) در راستای مدیریت رسول خدا(ص) و برای حفظ ارزش های پدیدار شده عصر رسول اکرم(ص) مبتنی بر دو اصل مهم &#171;امر به معروف&#171; و &#171;نهی از منکر&#171; بوده است؛ چنان که آن حضرت در بیان فلسفه قیام خود می فرماید: همانا من برای شرارت و ابالی گری قیام نکردم و مفسد و ظالم نیستم بلکه برای اصلاح در امت جدم قیام نمودم و اراده کردم که امر به معروف و نهی از منکر نمایم و به سیره و سبک

